

تأملی بر نظریه سبب متناسب

با بررسی حقوق ایران و حقوق کامن‌لا*

- سیامک رهپیک^۱
- نادر ولایی^۲

چکیده

معیار تشخیص سبب مسئول در دیدگاه‌های مختلف، متفاوت است. دیدگاه مادی صرفاً بر اساس معیارهایی از قبیل زمان تشکیل سبب، سبب مسئول را شناسایی می‌کند. در مقابل، دیدگاه‌های سبب متعارف، معیارهای هنجاری نسبت به تشخیص سبب مسئول ارائه می‌کنند. سبب متناسب با معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر، سبب مسئول را به نحوی تبیین می‌نماید که بین عامل خسارت و نوع خسارت، تناسب وجود داشته باشد. قابلیت پیش‌بینی ضرر، معیاری است که در جایگاه تشخیص تقصیر نیز به کار می‌رود و از طرفی با لحاظ برخی ملاحظات انصاف‌گرا در محدود نمودن میزان مسئولیت نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب ضرورت دارد کارکردهای این معیار در جایگاه‌های متفاوت تبیین

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱.

۱. استاد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (s.rahpeik@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)
(nader.vellaei@gmail.com)

شود. رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان جدیدترین نشانگر اراده قانون‌گذار، دربردارنده ویژگی‌های بارز سبب متناسب است. نقدهایی که نسبت به این رویکرد وجود دارد، مانند نقدهایی است که در حقوق کامن‌لا واقع‌گرایان به سبب متناسب ایراد کرده‌اند. نمی‌توان سبب مطرح در عالم حقوقی را به عنوان یک موضوع انتزاعی، صرفاً به حالت مکانیکی تصور کرد. بنابراین مجموعه عواملی که موجب احراز سبب مسئول است، دارای جنبه‌های مادی و غیر مادی است. از نظر این تحقیق، معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر از جنبه‌های غیر مادی سبب حقوقی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: سبب متناسب، قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر، واقع‌گرایان حقوقی، تقصیر.

مقدمه

از حیث نگرش به موضوع رابطه سببیت، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییرات ملموسی ایجاد شده است. برخی نسبت به دیدگاه قانون‌گذار، رویکرد انتقادی داشته و مواد قانونی جدید در حوزه رابطه سببیت را متشکست و فاقد معیار روشن دانسته‌اند. در مقاله حاضر، رویکرد قانون‌گذار بهانه‌ای گردید تا نظریه سبب متناسب و جایگاه آن در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق کامن‌لا مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس معیار سبب متناسب، سببی که با خسارت، تناسب دارد و ورود ضرر از ناحیه آن قابل پیش‌بینی است، مسئول خسارت است.

دیدگاه‌های مطرح در نظریه سبب متناسب، در آثار حقوقی ایران با عنوان سبب متعارف شناخته شده است، لیکن در این زمینه معیار و ساختار نظریه مزبور، به خصوص ساختار قانونی و ساختار فقهی آن به طور روشن بررسی نشده است. سبب متعارف به طور کلی به استناد عرفی احاله شده و تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص آن بررسی نشده است. سبب متناسب دارای دو ویژگی بارز است؛ ویژگی نخست، نقش تقصیر در رابطه سببیت است و ویژگی دوم، معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر^۱ برای تفکیک بین عوامل متناسب و غیر متناسب با نتیجه حاصل شده است. قانون مجازات اسلامی جدید هر دو

1. Foreseeability of damage.

ویژگی را مورد توجه قرار داده است. اشاره و تأکید به قانون مجازات اسلامی صرفاً به جهت مواضع جدید قانون‌گذار است و حقوق ایران با وجود قوانین متعددی^۱ که در خصوص رابطه سببیت در مباحث مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری دارد، همانند نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر و مبانی فقهی، ساختار و ویژگی‌های یکسانی در حوزه رابطه سببیت دارد.

در کتب فقهی در باب غصب، موضوع اتلاف بالتسبیب به عنوان یکی از موضوعات موجب ضمان تبیین شده است و در توصیف و بیان تسبیب، تمامی مطالب و مبانی مربوطه که در باب دیات و قصاص نیز مطرح گردیده است، در ذیل عنوان اتلاف بالتسبیب لحاظ شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۱/۳۷). ویژگی‌های سبب متناسب به روشنی در احکام و قواعد این بخش مشاهده می‌شود و از این حیث، سعی بر این است که به این مبانی اشاره شود. با بررسی این مبانی مشخص می‌شود که سبب متناسب، صرفاً ناظر به مشکلات و مسائل اجتماع اسباب نیست و این نظریه به عنوان یک قاعده در تمام حالت‌ها، قاعده‌ای قابل استناد است و با تشخیص قاعده می‌توان مواردی را که استثنا محسوب می‌شوند، تفکیک کرد.

در حقوق اروپایی، نظریه سبب متناسب به یوهان فون کریس نسبت داده می‌شود (سنهوری، ۱۳۹۰: ۱۳۲/۲) و ویژگی‌های این نظریه در آثار حقوقی وی اهمیت بسزایی دارد. لیکن حقوق کامن‌لا به خصوص حقوق آمریکا، به طور گسترده‌ای مطالب مربوط به سبب متناسب را در رویه عملی و آثار حقوقی مورد ارزیابی قرار داده است و هر دو ویژگی بیان‌شده برای مبانی سبب متناسب در حقوق کامن‌لا مشهود است؛ هم نقش تقصیر در رابطه سببیت به روشنی تعیین شده است و هم بررسی نظریه تناسب با معیار پیش‌بینی‌پذیری ایراد ضرر، موجب ضابطه‌مند کردن نظریه یادشده گردیده است.

در نظام حقوقی کامن‌لا، دو نوع بررسی جهت تعیین مسئول و میزان مسئولیت وجود دارد؛ نوع اول، بررسی شرایط و اسبابی که در تحقق زیان دخالت داشته‌اند، به نحو مادی تعیین می‌شوند، یعنی مشخص می‌گردد که در سلسله اسباب موجود به

۱. از جمله قوانین مهم در این زمینه، قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی است.

لحاظ مادی، چه سببی موجب خسارت شده است؛ ولی این تحلیل عینی یا مادی به تنهایی راهگشا نیست و علاوه بر بررسی نوع اول، تحلیل‌هایی که ناشی از بررسی‌های معنوی و اخلاقی است، تکمیل‌کننده نوع احراز رابطه سببیت است. به بیان دیگر، تفکیکی بین «رابطه سببیت واقعی»^۱ و «رابطه سببیت حقوقی»^۲ وجود دارد.

از نظر پژوهش حاضر، رابطه سببیت حقوقی، مکمل رابطه سببیت واقعی است و به طور غالب در تعیین محدوده مسئولیت، به رابطه سببیت حقوقی استناد می‌گردد. براین اساس باید بین «رابطه سببیت واقعی» و «رابطه سببیت حقوقی» تفکیک قائل شد و اظهار نمود که رابطه سببیت واقعی، زنجیره‌ای از علل وقوع حوادث است که منجر به نتیجه زیانبار می‌گردد؛ در حالی که رابطه سببیت حقوقی صرفاً بستگی به عوامل مادی تحقق زیان ندارد. رابطه سببیت حقوقی با اصطلاح «رابطه سببیت متناسب»^۳ شناخته می‌شود و معیار اصلی برای تشخیص سبب حقوقی، وجود تقصیر و قابل پیش‌بینی بودن ایراد ضرر نسبت به عامل ضرر است^۴ (van Dam, 2013: 316-319).

۱. چیستی نظریه تناسب

۱-۱. منشأ نظریه تناسب

فلاسفه دیدگاه‌های مادی نسبت به ارتباط علیت داشته‌اند؛ هرچند در خصوص موضوع ارتباط علی، بیش از بحث اثباتی، به مسئله ثبوتی قضیه توجه داشته‌اند. دو نوع دیدگاه عمده نسبت به رابطه علیت در فلسفه وجود دارد. دیدگاه عقل‌گرا که معتقد به وجود یک رابطه بین علت و معلول است و دیدگاه تجربه‌گرا که صرفاً توالی بین دو پدیده

1. Factual cause.

2. Legal cause.

3. Adequate cause.

۴. در اصطلاح می‌توان از واژه نزدیکی نسبت به واژه proximate استفاده کرد. همین موضوع سبب شده است تا نویسندگان بزرگی در حقوق ایران، در تحلیل رابطه سببیت و نظرات مختلف حقوقی، با اشاره به حقوق کامن‌لا معادل سبب نزدیک را برای اصطلاح یادشده به عنوان یکی از نظرات حقوقی بیان نمایند؛ در حالی که قرابت مورد نظر در اصطلاح یادشده، به مفهوم تناسب است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۷-۴۶۸).

را می‌پذیرد و به سبب تجربه، این توالی را قابل احراز می‌داند (کاپلستون، ۱۳۷۰: ۲۹۵/۵).^۱ در هر صورت، دیدگاه فلسفی سنتی صرفاً به توالی پدیده‌ها به عنوان موضوعی مادی توجه دارد. همین نگرش باعث شده است که بین عوامل مختلف منتهی به سبب، هیچ‌گونه تفاوت و تبعیضی وجود نداشته باشد و نظریه برابری اسباب، نظریه‌ای متأثر از دیدگاه فلسفی باشد. در حالت ابتدایی چنین دیدگاهی، تفاوتی بین شرط و سبب نیز وجود ندارد و عامل با هر کیفیتی، مؤثر در تشخیص ارتباط سببی تلقی می‌گردد (حاجی‌نوری، ۱۳۸۹: ۷۹). در مقابل، سبب متناسب معتقد به ویژگی‌های خاص رابطه سببیت در عالم حقوقی است و از این رو معیارهایی برای گزینش عوامل ارائه می‌نماید که موجب تمایز سبب حقوقی از سبب مادی صرف است.

نظریات مختلفی در حقوق ایران به عنوان نظریات تشخیصی در صورت تعدد اسباب طولی مطرح شده‌اند که با منشأ حقوق خارجی و فقهی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. شاخصه مهمی موجب احراز تفاوت بین دو نگرش می‌گردد؛ دیدگاه‌هایی که صرفاً در کشف سبب مسئول دیدگاه مادی دارند^۲ و دیدگاه‌هایی که نگرش مادی صرف ندارند و کیفیت سبب را بر اساس عرف می‌سنجند.^۳ دیدگاه سبب متناسب، در مقابل دیدگاه‌های با نگرش صرف مادی قرار می‌گیرد. چنانچه گفته شد، سبب متناسب، با عنوان سبب حقوقی نیز شناخته می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار، حقوقی را اعتبار می‌بخشد و از آن‌ها حمایت می‌نماید، هر آنچه به طور معقول با چنین حمایتی در تعارض باشد،

۱. تفاوت این دو دیدگاه: بر حسب عقاید تجربه‌گرایان، ارتباط علی رابطه‌ای تحلیلی و ضروری نیست و صرفاً با اتکاء به تجربه احراز می‌شود. ولی در دیدگاه عقل‌گرا، ارتباط علی یک رابطه ضروری و تحلیلی است. ثمره این تفاوت در این موضوع است که تجربه‌گرایان، وجود رابطه علی را به عنوان یک رابطه انتزاعی موجود نمی‌پذیرند.

۲. نظریات موجود جهت احراز رابطه سببیت، هر یک معیاری خاص برای نشان دادن رابطه بین فعل و زیان دارند. این معیارها بر اساس زمان تشکیل سبب، زمان اثر سبب و ترتیب اسباب و... به تعیین سبب مسئول می‌پردازند (سبب مقدم در تأثیر، سبب فوری، سبب مستقیم، برابری اسباب و...)، معیارهای بیان‌شده معیارهایی مادی‌اند و حسب ظاهر نظریات موجود، توجهی به عوامل ذهنی اسباب نمی‌شود.

۳. عرف اصطلاح کلی است و در این رابطه، ضابطه گاهی ضرورت، کفایت، اصلی بودن توصیف می‌شود. لیکن فارغ از ادبیات به کاررفته تصور می‌شود همه ویژگی‌های یادشده ناشی از جهات تقصیرآمیز بودن سبب در مداخله سبب است که در مطالب آتی به آن خواهیم پرداخت.

برای ایجاد مسئولیت مورد توجه مقنن است. فلذا از میان اسباب و ارتباط‌های علی مختلف، آنچه مورد توجه قانون‌گذار است، رفتار عاملی است که شأن عامل، تخطی نسبت به حق حمایت‌شده قانونی باشد و هر عاملی را به صرف وجود ارتباط علی مادی با نقض حقوق حمایت‌شده به عنوان سبب شناسایی نمی‌نماید.

۲-۱. ویژگی‌های کلی سبب متناسب

رهیافت سبب متناسب، با عنوان سبب احتمالی در فلسفه نوین شناخته می‌شود. به‌طور خلاصه، ایده این دیدگاه در مورد سبب این است که عاملی بیشتر از اسباب دیگر به واقعه مورد نظر ارتباط دارد؛ مثلاً سیگار کشیدن، احتمال ابتلا به سرطان را بیش از دیگر دلایل افزایش می‌دهد، زیرا بین اشخاص سیگاری مرگ و میر ناشی از سرطان بیشتر است. بنابراین از آنجایی که عامل، باعث افزایش احتمال تحقق واقعه می‌شود، سبب واقعه است. بر اساس نظریه ابرازی، سنجش یک انسان متعارف از یک عامل، ارتباط عمیقی با احتمال واقعی افزایش نتیجه یک واقعه خاص به عنوان پیامد آن عامل دارد (هارت و هونوره، ۱۳۸۹: ۲۱۲-۲۱۳). ویژگی مهم و به عبارتی پیش شرط سبب متناسب، وجود تقصیر است؛ یعنی باید ابتدا تقصیر احراز شود و سپس عناصر و ارکان سبب مادی و سپس تناسب بررسی شود، به طوری که این موضوع در حقوق کامن‌لا به طور سنتی وجود داشته است (Harpwood, 2009: 28-30).

در جهت تشخیص سبب متناسب و انتخاب عامل مرتبط از بین تمامی عوامل موجود، دو بررسی مقدماتی ضرورت دارد؛ نتیجه رخ داده با اوصاف کلی توصیف نمی‌شود، بلکه نسبت به نتیجه حاصله، اوصافی که اهمیت دارد، لحاظ می‌شود و براساس این توصیف، عامل مؤثر و متناسب از حیث ارتباط احتمالی، بیشتر تشخیص داده می‌شود. بررسی دیگر توجه به توانایی بالقوه عامل در ایجاد نتیجه زیانبار است؛ مثلاً شخصی با موتورسیکلت با عابری تصادف می‌کند و استخوان پای عابر در اثر تصادف می‌شکند. در مسیر انتقال مصدوم به بیمارستان در اورژانس آتش‌سوزی رخ می‌دهد و شخص مصدوم در اثر آتش‌سوزی کشته می‌شود. نتیجه حاصله اگر فوت توصیف شود، می‌تواند به عامل تصادف منتسب گردد؛ زیرا اگر تصادف رخ نمی‌داد،

فوت نیز رخ نمی‌داد. لیکن اگر نتیجه را فوت ناشی از آتش‌سوزی توصیف نماییم، تناسبی بین سبب و نتیجه احراز نخواهد شد (حسنی، ۱۳۹۱: ۱۹۹-۲۰۶).

توانایی بالقوه یک عامل برای ایجاد نتیجه، بر اساس موقعیت و شرایطی است که عامل در آن شرایط به وجود آمده است؛ مثلاً وجود اکسیژن در محیط بیمارستانی بر اساس موقعیت و شرایط، امری کاملاً بدیهی است. پس نبود کپسول اکسیژن در بیمارستان چنانچه موجب نتیجه فوت بیمار شود، متفاوت با حالتی است که بیمار در یک منزل و در اثر نبود اکسیژن فوت می‌نماید. تفاوت دو مسئله در شرایط خاص هریک از موقعیت‌های توصیفی است، در حالی که در هر دو حالت، نبود اکسیژن عامل فوت بوده است. لیکن به جهت آگاهی و قابل پیش‌بینی بودن موضوع نیاز به اکسیژن در بیمارستان بر اساس تجارب موجود، این عامل بالقوه توانایی ایجاد آسیب را دارد. در نتیجه قابلیت پیش‌بینی نتایج حاصل از فعل، مؤثر در تشخیص توانایی و تأثیر در تحقق نتیجه است.

قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر با دو معیار شخصی و نوعی قابل سنجش است. ملاک نوعی، طرفداران بیشتری دارد؛ به طوری که در حقوق آمریکا در اصلاحیه‌های مؤسسه حقوقی آن کشور،^۱ معیار «ضرر در محدوده ریسک»^۲ جایگزین معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر شده است. معیار محدوده ریسک و قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر هرچند دارای همپوشانی بسیاری هستند، ولی کاملاً مانند هم نیستند. علت آن است که هر دو معیار، مسئولیت مدنی را محدود می‌نماید و بر این اساس، خسارتی که به اندازه کافی در زمان ارتکاب فعل زیانبار قابل پیش‌بینی نیست، در میان خطرات فعل تقصیرآمیز قرار نمی‌گیرد یا به عبارتی، از آسیب‌های بالقوه نسبت به فعل زیانبار محسوب نمی‌شود. علت استفاده از معیار داخل در محدوده ریسک می‌تواند به سهولت در کاربرد این معیار و شفافیت بیشتر آن مربوط باشد. به علاوه در این معیار، تمرکز بیشتر بر ریسک و خطرات زمان ارتکاب فعل است که کاملاً نوعی است و در مقابل، معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر در موضوعات، مربوط به مسئولیت ناشی از تقصیر مبهم است (Zipursky, 2009: 1254).

1. the American Law Institute.
2. "scope-of-the-risk" test.

۲. جایگاه نظریه تناسب در متون فقهی و قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲

۱-۲. سبب متناسب در تعاریف فقهی

دو نوع تعریف از سبب در متون فقهی وجود دارد؛ اولی تعریف مبتنی بر توالی مادی است که به نوعی متناظر با معیار «اگر نبود»^۱ است و گفته شده است سبب یعنی چیزی که عدمش اقتضای عدم را دارد و وجودش اقتضای وجود.^۲ تعریف دوم به طور عمده در باب اتلاف بالتسبیب به کار رفته است؛ سبب چیزی غیر از علت است که با وجود آن، تلف حاصل می‌شود؛ به شرطی که سبب از اموری باشد که انتظار علت از آن می‌رود^۳ (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۱/۳۷).

دو تعریف فوق در تطبیق با موارد عملی، با قید پایانی تعریف دوم یعنی قابل انتظار بودن علت، تفاوت خود را نشان می‌دهند؛ مثلاً اگر شخصی حیوان دیگری را حبس نماید و در نتیجه حبس حیوان، بچه حیوان در اثر عدم تغذیه شیر مادر بمیرد، گفته شده است که اگر قائل به تعریف سبب عرفی (منظور سبب مادی یعنی تعریف اول) باشیم، رابطه سببیت وجود دارد؛ لیکن اگر قائل به تعریف سبب شرعی (منظور سبب قانونی یعنی تعریف دوم) باشیم رابطه سببیت وجود ندارد، چون اتلاف بچه حیوان هرچند ناشی از عدم تغذیه شیر مادر است (علت) و این امر ناشی از اقدام حابس است، لیکن این اتلاف امری نادر است^۴ (همان: ۵۲/۳۷)؛ به همین جهت رابطه سببیت وجود ندارد.

۲-۲. جایگاه تقصیر در تسبیب از دیدگاه فقهی

از نظر قاطبه فقها، باب اتلاف اعم از اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب است. با توجه به همین مبانی، گفته شده است که تقصیر نقشی مستقل در شرایط ضمان ندارد و

1. But for test.

۲. «یلزم من عدمه العدم ویلزم من وجوده الوجود».

۳. تعاریف مشابه دیگری با تفاوت‌های اندک در متون فقهی وجود دارد.

۴. یعنی تحقق علت (عدم تغذیه شیر مادر) از سبب (حبس حیوان) انتظار نمی‌رود، هرچند اتفاقاً در عالم خارج این موضوع رخ داده باشد.

اصل اساسی، استناد اتلاف به عامل است و تقصیر تنها در تشخیص این رابطه مفید خواهد بود (بابائی، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۵). همچنین گفته شده است که نقش تقصیر به سبب برخورد اصل ضمان مطلق با قواعد سلطنت و احسان است، نه اینکه نقش مستقلی داشته باشد (حاجی‌نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۷). به طور کلی بر خلاف آثار حقوقی برجسته‌ای که تقصیر را به عنوان رکنی مستقل بررسی نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۳۴)، نظریات نوین نقشی مستقل برای تقصیر در ایجاد مسئولیت قائل نیستند و اصل را مبتنی بر ضمان مطلق می‌دانند؛ چنانچه برخی فقها نیز تفاوتی بین تسبیب و اتلاف قائل نشده و صرفاً صدق عنوان متلف را کافی برای تحقق ضمان دانسته‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۹: ۴۳۵). نتیجه نظرات ابرازی چنین خواهد شد که صرف استناد مادی، کافی برای ضمان سبب است؛ زیرا تقصیر به عنوان ابزاری برای احراز رابطه سببیت تصور شده است که بدون تقصیر نیز اگر این رابطه احراز شود، مسئولیت ایجاد خواهد شد؛ همان گونه که در اتلاف چنین است.

بررسی آثار فقهی، دلالت بر این موضوع دارد که هرچند تسبیب در باب اتلاف مورد بررسی بوده است، ولی شرایط ایجاد ضمان برای این دو یکسان نبوده‌اند. این موضوع با استقراء در مثال‌های مختلف روشن است و علاوه بر این، برخی فقهای امامیه برای ضمان سبب، شرایطی را به صراحت بیان نموده‌اند.^۱ مجموع شروط بیان‌شده، در یک شرط قابل بیان است: «شرط تعدی و تفریط عرفی» (خوانساری، ۱۴۰۵: ۵/۲۰۶-۲۰۷). در بیان تقصیر نیز عدوان عرفی، ملاک تشخیص داده شده است؛ زیرا چه بسا عملی شرعاً مجاز باشد، ولی عرف آن را عدوان و ظلم تلقی کند (همان). با لحاظ مراتب فوق گفته شده است که اگر حفرکننده چاه در ملک خود چاهی حفر کند و موجب آسیب به دیگری گردد، سبب حادثه است، ولی سبب مضمون نیست (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۶۹/۱۸).

تفاوت محسوسی بین سبب و مباشر توصیف شده است. مباشر علت است و پس از آن، انتظار معلول کاملاً منطقی است. پس از این حیث شرط قابلیت پیش‌بینی برای

۱. «شروط لتأثیر التسیب فی الضمان».

امری که بلاواسطه رخ خواهد داد، نیازی نیست و این امر موجب شناسایی ضمان مطلق برای متلف مباشر است؛ چرا که هیچ واسطه‌ای بین فعل رخ داده و نتیجه حاصل شده وجود ندارد؛ یعنی مباشر اتلاف، مولد اثر است و از این رو نیازی نیست که برای اتلاف شرط دیگری وجود داشته باشد؛ در حالی که در تسبیب، علت وقوع زیان، امر دیگری غیر از سبب است. بنابراین باید ایجاد علت در زمان تحقق سبب مورد انتظار باشد؛ چون واسطه یا واسطه‌هایی وجود دارد که وجود چنین واسطه‌هایی باید قابل پیش‌بینی باشد. چنانچه گفته شده است، منظور از ملزوم‌العله بودن در تسبیب، ملازمه خارجی است که پس از تحقق آشکار شده است، نه ملازمه واقعی دائمی که اگر چنین باشد، مشمول افعال مولد آثار خواهد بود و این موضوع مشمول اتلاف است نه تسبیب (رشتی، بی‌تا: ۲۹)؛ کما اینکه گفته شده است در اتلاف هلاکت، اضافه واقعی است، ولی در تسبیب هلاکت، اضافه مجازی است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۵).

۲-۳. علت لزوم تقصیر برای ضمان سبب

در تعلیل شرط بودن تقصیر برای ضمان سبب، به قواعدی چون قاعده احسان و قاعده سلطنت در شرایط ضمان سبب استناد شده است و کاربرد هر دو قاعده، ناشی از مصادیق و قضایایی است که اکثر مثال‌های فقهی در آن موارد بررسی شده است؛ مثلاً اگر شخصی چاهی را در خانه خود حفر نماید، قاعده سلطنت حاکم خواهد بود یا اگر شخصی در معبری سنگی را جابه‌جا نماید و غرض عقلایی برای احسان داشته باشد، قاعده احسان حاکم خواهد بود (خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۰۷/۵). هر دو قاعده، حالت احترازی دارند و به خودی خود مثبت امری نیستند. آنچه مورد احتراز است، تقصیر است؛ یعنی از حالت‌هایی که تقصیر محسوب نمی‌شوند، احتراز می‌گردد، پس شرط اصیل ضمان سبب، تقصیر است.

آنچه در تعلیل لزوم شرط تقصیر برای ضمان سبب می‌توان گفت، وجود اصل اباحه است، چنانچه منشأ استناد به قاعده سلطنت نیز همین موضوع است. در اقسام احکام وضعی همچون ضمان، رخصت شرعی موجود و اصل اباحه، دلالت بر عدم ترتب حکم ضمان دارد، مگر اینکه اقدام نسبت به فعل، ملازمه با ضرر به غیر داشته باشد

(رشتی، بی تا: ۳۱). کاملاً طبیعی است که اعمال و رفتار اشخاص در زندگی عموماً اعمال مباح باشند و ویژگی اساسی سبب ضمان آور، باید به نحوی باشد که شرع در حمایت از ضررهای وارده، سبب را عامل زیان بداند، در غیر این صورت اشخاص در اعمال مباح خود نباید مسئول خسارات غیر قابل پیش بینی باشند، هرچند انتساب به نحو مادی آشکار باشد. همین مسئله در تعریف سبب شرعی نیز لحاظ شده است و تأکید فقها بر همین نکته بوده است که سبب نسبت به نتایج نادر و اتفاقی مسئولیتی ندارد^۱ (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۶).

برخی هر عملی را که موجب خسارت شود، غیر مباح دانسته و آن را موجب حکم وضعی ضمان دانسته اند؛ چرا که پس از تحقق زیان، کشف می شود عملی که به ظاهر مباح بوده، اشتباه و حرام بوده، چون موجب خسارت شده است. این در حالی است که حسن و قبح عمل (تقصیر) در زمان انجام باید ارزیابی شود و عقلایی نیست که صفت فعل به جهت برخی امور خارجی عارض شده تغییر یابد یا تعیین شود (رشتی، بی تا: ۳۲). در نهایت چنانچه در تسبیب به نحو شرعی، شک وجود داشته باشد، به اصل براءت مراجعه می شود (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۶۹/۱۸).

در فقه عامه، موضوع با صراحت بیشتری بیان شده است. در ماده ۹۲۴ مجله الاحکام العدلیه به صراحت به شرط بودن تعدی و تفریط در ضمان سبب اشاره شده است. تمامی مصادیقی که با قواعدی چون سلطنت و احسان ارزیابی می شوند، ذیل همین عنوان مورد بررسی قرار می گیرند. علت بداهت این موضوع، به سبب وجود دو قاعده فقهی در نزد فقهای اهل سنت است که بیان می نماید سبب ضامن نیست، مگر تعدی نماید و مباشر ضامن است، هرچند تعدی ننماید^۲ (زحیلی، ۱۴۰۴: ۵۹۴-۵۹۵).

در قانون مدنی ایران در باب تسبیب، اشاره ای به شرط تقصیر نشده است. این موضوع می تواند ناشی از مفروض بودن این مسئله باشد، کما اینکه در مبانی فقهی

۱. نقش تقصیر در هر صورت با دیدگاه فلسفه حقوق مرتبط است و این موضوع که مبانی مسئولیت، تخلف است یا انتساب، موضوعی است که نباید نادیده گرفت. به جهت مطالب مرتبط با مبنای تقصیر از این حیث، بررسی های لازم صورت گرفته است.

۲. «المتسبب لا یضمن إلا بالتعدی» و «المباشر ضامن وإن لم يتعد».

چنین است. در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به وجود احراز تقصیر در جرائم غیر عمد که یکی از مصادیق بارز تسبیب است، تصریح شده است.

۲-۴. تأثیر تقصیر در تناسب رابطه سببیت

یکی از پیچیدگی‌های نظریه تناسب، اشتراکاتی است که بین شاخصه‌های تعیین تقصیر و شاخصه‌های رابطه سببیت وجود دارد. گفته شد که در رابطه سببیت در تعیین عاملی که سبب است، سنجش عوامل مؤثر بسیار حائز اهمیت است. اگر سبب به شرایط دیگر که موجب فراهم شدن علت آسیب شده است، آگاهی داشته باشد، سبب متناسب است؛ مثلاً وقتی شخصی آتشی را در خانه خود روشن می‌کند و آتش به منزل مجاور سرایت می‌کند، اگر وزش باد برای سبب یعنی آتش افروز قابل پیش‌بینی باشد، وی از آثار اقدام خود آگاهی داشته یا باید آگاه می‌بود، پس معیار روشنی در اینجا استفاده می‌شود و آن معیار، نوعی قابلیت پیش‌بینی است. سؤال مهمی که می‌توان در اینجا طرح کرد این است که آیا شاخصه قابلیت پیش‌بینی که در مثال فوق نیز بیان شد، به جهت نقش تقصیر در رابطه سببیت است؟ آیا در حقیقت، شاخصه موصوف در تعیین تقصیر و به طور تبعی در تعیین رابطه سببیت ایفای نقش نموده است؟ آیا مصادیقی از قانون مجازات اسلامی که برای احراز رابطه سببیت بیان شد، در حال توصیف تقصیر هستند یا به ویژگی خاصی از رابطه سببیت توجه دارد؟

چنانچه گفته شد، در متون فقهی، قابلیت پیش‌بینی ضرر در تعریف رابطه سببیت لحاظ شده است و در مصادیق با همین دیدگاه که سبب شرعی مستلزم چنین شاخصه‌ای است، ضمان سبب ارزیابی شده، و تقصیر به عنوان شرط ضمان سبب پیش‌بینی شده است. در حقیقت پیش از آنکه به صرف رابطه سببیت مادی و نتیجه حاصله پرداخته شود، ابتدا به عدوان (تقصیر) سبب توجه می‌شود؛ یعنی تا سبب عدوانی نباشد، اصل اباحه و اصل برائت موجب بری بودن سبب است و نمی‌توان عامل را به عنوان سبب شرعی شناخت. در تشخیص تقصیر، به رفتار شخص متعارف در شرایط مشابه توجه می‌شود تا صرفاً این مجهول پاسخ داده شود که آیا رفتار عامل، خارج از رخصت و اباحه بوده است یا خیر؟ بی‌شک پیش‌بینی‌های یک شخص متعارف، مؤثر در تشخیص

نحوه رفتار خواهد بود و از این رو، قابلیت پیش‌بینی ضرر در توصیف تقصیرآمیز بودن به کار می‌رود.

مقصر بودن سبب، شرط لازم برای ضمان سبب است و این موضوع یکی از ارکان تشخیص تناسب است؛ لیکن این موضوع برای تحقق ضمان سبب کافی نیست و چه بسا رفتار یک شخص، تقصیرآمیز محسوب شود، ولی زیان حاصل شده با تقصیر شخص تناسبی نداشته و نسبت به آن تقصیر، چنین زیانی قابل تصور نباشد؛ مثلاً راننده‌ای در حرکت قطار قصور نموده و موجب تأخیر در حرکت قطار باشد و در نتیجه قطار در زمان وقوع سیل در محل وقوع سیل قرار گیرد یا اینکه شخصی در روشن کردن آتش از مواد آتش‌زایی استفاده کند که تقصیر محسوب می‌شود، لیکن به صرف استفاده از مواد آتش‌زا نمی‌توان پیش‌بینی کرد که آتش به ملک مجاور نیز سرایت خواهد کرد. بنابراین در سبب شرعی، به قابل انتظار بودن نتیجه حاصله به طور مجزا توجه شده است. از این رو برخی فقها در واژگان مورد استفاده خود، از تأثیر سبب استفاده کرده‌اند که اشاره به ارتباط نتیجه با تقصیر دارد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۶). مصادیق مختلفی که در مواد ۵۱۶ تا ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده است، در حقیقت به ویژگی خاص سبب قانونی توجه داشته است، نه صرف تقصیر. بنابراین قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر، دارای کارکردهای مختلف در جایگاه‌های مختلف است و گاهی این کارکرد در هر دو جایگاه هم‌راستا بوده و یک نتیجه را در بر خواهد داشت.

در فقه عامه در شرایط ضمان سبب، به روشنی شرط تقصیر (تعدی) متفاوت با شرط متناسب بودن سبب بیان شده است. تناسب با این شرط مقید است که به حسب عادت، تحقق نتیجه از سبب، بدون دخالت عامل دیگر قطعی باشد و این موضوع غیر از موضوع تقصیر است و ملاک تشخیص هرچند عرف و عادت قید شده است، لیکن شاخصه، قابل انتظار بودن نتیجه از سبب است (زحیلی، ۱۴۰۴: ۵۹۵).

قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر در فقه امامیه با ملاک نوعی مورد پذیرش واقع شده است. این موضوع در تعاریف رابطه سببیت نیز لحاظ شده است؛ چنانچه در قسمت تعریف، برخی به جهت تأکید به نوعی بودن معیار «انتظار حاصل از سبب»، کلمه «قاصداً» را از عبارت «قاصداً لتوقع ذلك» حذف نموده‌اند (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲۰۷/۶). در عین

حال گفته شده است که کلمهٔ مزبور به این مفهوم نیست که عامل، سبب را قصد کرده باشد؛ بلکه منظور، در هر حالت شأن سبب و قصد آن شأن است، بدون توجه به این مسئله که آیا نتیجهٔ حاصله، قصد شده است یا خیر؟ (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۱۹/۱۸). حتی برخی گفته‌اند که اگر سبب، تحقق خسارت را قصد نماید، دیگر سبب نیست و علت است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۳/۲).

حقوق کامن‌لا در توصیف مسئولیت ناشی از تقصیر، وجود تقصیر را به وجود وظیفه مراقبتی،^۱ نقض آن^۲ و خسارت^۳ وابسته می‌داند و بررسی مزبور، مقدم بر بررسی رابطه علی از حیث مادی و محدودهٔ مسئولیت است. در این جایگاه یعنی بررسی وجود تقصیر، پیش‌بینی‌پذیری برای تعیین مصداق‌های خود وظیفه مراقبتی است و اشخاص هدف وظیفه مراقبتی را محدود می‌نماید؛ یعنی برای اینکه تقصیری احراز شود، باید وظیفه مراقبتی عامل خسارت نسبت به شخص زیان‌دیده احراز شود و این مسئله، نشان‌دهنده دو جنبه از نحوه احراز است: اول اینکه وظیفه مراقبتی خواسته‌شده، متناسب و متعارف باشد و دوم اینکه شخص زیان‌دیده نیز به طور نوعی شخصی باشد که عامل زیان به نحو متناسب نسبت به وی دارای وظیفه مراقبتی باشد؛ مثلاً اگر شخصی در حالت همسایگی،^۴ مکلف به رعایت وظایف مراقبتی خاصی باشد، این انتظار وجود ندارد که همین میزان از مراقبت را نسبت به اشخاصی که با فاصله قابل توجهی از وی زندگی می‌کنند، داشته باشد.^۵ (Green, 2013: 24-29)؛ مثلاً افروختن آتش در محلی که همسایه‌ای وجود ندارد و عادتاً تناسبی بین افروختن این آتش و سرایت آن به محلی دورتر وجود ندارد و به طور اتفاقی و در اثر جریان باد شدید چنین اتفاقی رخ دهد، گفته می‌شود که وظیفه مراقبتی نسبت به زیان‌دیده به عنوان شخصی دور از انتظار قابل

1. Duty of care.
2. Breach of duty.
3. Damages.

۴. اصل مجاورت صرفاً به فاصله فیزیکی محدود نیست و ابعاد ارتباطی آن گسترده‌تر است.
 ۵. بر اساس عقاید لرد آکتین باید شخص آسیب‌دیده به مانند رابطه همسایگی، دارای رابطه‌ای با خواهان باشد. مفهوم قرابت در این جایگاه نیز به شدت به ملاحظات اجتماعی، مصلحت‌ها و سیاست‌گذاری‌های حقوقی جامعه مرتبط است.

تصور نیست.

۲-۵. سبب متناسب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دو نوع نگرش مورد توجه مقاله حاضر است: اول اینکه قاعده کلی رابطه سببیت انتساب ضرر است و دوم اینکه دیدگاه‌های مطرح در سبب متناسب در قانون به صراحت بیان شده است.

۲-۵-۱. اماره بودن سبب مقدم در تأثیر

همواره این موضوع مطرح بوده است که از منظر قانونی، چه سببی در میان اسباب طولی به عنوان سبب مسئول تلقی شده است و به سبب مقدم در تأثیر، به عنوان معیار تشخیصی تصریح شده در قانون استناد و اشاره می‌شود. باید این نکته را لحاظ کرد که در صورت تعدد عوامل اعم از تعدد اسباب و تعدد اسباب و مباشر، قانون چه حکم کلی را بیان نموده است؟

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به صراحت اشاره نموده است که در صورت تعدد عوامل مباشر و سبب، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است. بنابراین حکم کلی، استناد ضرر به عامل است. زمانی که چنین حکمی در جمع سبب و مباشر توسط قانون‌گذار بیان شده است، به طریق اولی این حکم در صورت تعدد اسباب مطرح خواهد بود. پس حکم کلی قانون‌گذار، استناد عرفی ناشی از تشخیص تأثیر عامل در نتیجه است. چنانچه ماده ۵۲۹ قانون مزبور، ضمان مدنی را منوط به استناد نتیجه حاصله به تقصیر دانسته است؛ موضوعی که از مقومات سبب متناسب محسوب می‌شود.

با توجه به مواد یادشده پی می‌بریم که حکم اولیه، توجه به تقصیر و در عین حال استناد است و در این زمینه، مقدم در تأثیر بودن می‌تواند اماره مناسبی باشد (رهپیک، ۱۳۹۵: ۸۲). در کتب فقهی در عین حال که به عرفی بودن رابطه سببیت اشاره شده است، چنین معیاری مطرح گردیده است. حتی برخی فقها با وجود پذیرش معیار سبب مقدم در تأثیر، در نهایت احتمال مسئول بودن تمام اسباب را قوی دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۱۹۳).

۲-۵-۲. وجود مقومات سبب متناسب در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ به تبیین قاعده، جهت احراز انتساب ضرر در اسباب طولی پرداخته است. مطابق با این مواد، اماره مورد پذیرش جهت احراز رابطه بین فعل و زیان، نظریه سبب مقدم در تأثیر است. ولی در ادامه به پذیرش تأثیر عوامل ذهنی در رابطه سببیت اشاره کرده است و این اشاره، تکمیل‌کننده قواعد پیش گفته است. در این مواد به قصد، آگاهی و مجاز بودن، به عنوان معیارهایی جهت احراز رابطه سببیت تمسک شده است؛ معیارهایی که تحت عنوان پیش‌بینی‌پذیری ضرر و از مقومات نظریه تناسب است.

در نقد مواد فوق بیان گردیده است که قانون‌گذار، عمد و قصد اسباب را که از موجبات ثبوت حکم تکلیفی است، در حکم وضعی که در اینجا ناظر به واقعیت خارجی است، به نحوی تسری داده که با قواعد حاکم بر اضرار مغایر است؛ زیرا عنصر آگاهی و عمد در واقعیت خارجی منجر به اضرار، دخالت داده شده است و مفاد این مواد را مغایر با فقه امامیه دانسته و هیچ محملی برای آن قائل نشده‌اند (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۰)؛ در حالی که در فقه امامیه در قاعده تسبیب، به صراحت به مورد انتظار بودن علت ضرر و قصد اشاره شده است. از طرفی علم و قصد از جهت حکم مؤثر نیست، بلکه از مقومات یا مصححات موضوع رابطه سببیت است؛ یعنی علم و قصد در موضوع مؤثر بوده و به تبع آن حکم آن را تغییر می‌دهد. در احکام وضعی مانند مسئولیت مدنی

۱. «ماده ۵۳۵- هر گاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز، در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت، قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است؛ مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است، مگر آنکه همه، قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت، شرکت در جرم محسوب می‌شود».

۲. «ماده ۵۳۶- هر گاه در مورد ماده ۵۳۵ این قانون، عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول، موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود، انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است».

علم و اراده نقشی ندارد؛^۱ زیرا علم و اراده ناظر به افعال مکلف است و در حکم وضعی چنین مسئله‌ای منتفی است، لیکن در برخی احکام وضعی مانند تسبیب، حکم وضعی به تبع تکوین موضوع جعل می‌شود؛ یعنی به تبع حکم تکلیفی جعل نمی‌شود و استقلال در جعل آن به تبع تکوین موضوع است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰: ۳۲/۱). از این حیث، علم و اراده از مصححات موضوع تلقی می‌شود و علم و اراده مؤثر در ساختن موضوع است. در حقیقت نقد چنین دیدگاهی دقیقاً منطبق با دیدگاه واقع‌گرایان حقوقی^۲ است که رابطه سببیت را موضوعی کاملاً مادی تصور می‌نمایند.

در فقه امامیه، موضوع قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر نه تنها در باب تسبیب اشاره شده است، بلکه در ابواب مرتبط با رابطه سببیت مانند اکراه، غرور^۳ و... به آن تمسک شده است و در این موارد نیز علم و جهل به طور مستقیم در حکم تأثیر ندارد، بلکه موضوع را می‌سازد.

زمانی که گفته می‌شود یکی از ویژگی‌های قوه قاهره غیر قابل پیش‌بینی بودن است، حکمی استثنایی در مقوله رابطه سببیت ایجاد نکرده‌ایم و در حقیقت این امر مشعر به قاعده کلی ناشی از ماهیت رابطه سببیت متناسب است. البته غیر قابل پیش‌بینی بودن قوه قاهره در عدم احراز رابطه سببیت مؤثر است و خود نهادی خاص محسوب می‌شود، ولی نتایج ناشی از این نهاد مطابق با آثار نظریه سبب متناسب است.

۳. چالش‌های سبب متناسب

۳-۱. نقد جایگاه قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر در رابطه سببیت

برخی نویسندگان حقوقی در آثار خود بیان نموده‌اند که پذیرش معیار «قابلیت پیش‌بینی ضرر»، دارای مبنای اخلاقی است و جایگاه این معیار نیز از عناصر ضرر قابل جبران است. مطالعات تطبیقی در این رابطه با رویکرد حقوق قراردادهای و مسئولیت

۱. به همین جهت نیز گفته می‌شود که مجبوران با حصول شرایط، مسئول هستند.

۲. در بخش بعدی دیدگاه این گروه بررسی می‌گردد.

۳. مثلاً علم و آگاهی مغرور، مؤثر در تشخیص رابطه سببیت است؛ همان‌گونه که در قاعده اقدام، علم و عمد نقش مؤثری دارد.

مدنی نیز صورت گرفته و بیان شده است که در حقوق انگلستان «قابلیت پیش‌بینی ضرر» مبنای اخلاقی دارد و با ملاحظات اخلاقی، میزان مسئولیت شخص نسبت به ضررهای قابل جبران کاسته می‌شود. به عبارت دیگر، مسئولیت اشخاص به آثاری ناظر است که برای شخص قابل پیش‌بینی باشد (غمامی، ۱۳۸۸: ۸۸ و ۹۷-۱۰۲). اولاً در حقوق، مبنای بسیاری از قواعد به طور اجتناب‌ناپذیری اخلاقی است و به این جهت عدم تدوین جایگاه حقوقی به صرف توصیف مبنای، ابهاماتی نظری و عملی در اجرای «قابلیت پیش‌بینی ضرر» در پی خواهد داشت. ثانیاً در نظام حقوقی کامن‌لا مبنای معیار «قابلیت پیش‌بینی ضرر» صرفاً اخلاق نیست و به طور کلی «ملاحظات اجتماعی یا مصلحت‌ها»^۱ به عنوان مبنای این معیار توصیف گردیده است.

۱-۱-۳. ملاحظات اجتماعی یا مصلحت‌ها

در مسائل مسئولیت مدنی، با حقوق دو طرف یعنی شخص آسیب‌دیده و عامل آسیب مواجه هستیم. سیاست‌گذاری‌هایی که به طور عمدۀ ناشی از اهداف مسئولیت مدنی است، در رویه عملی و حتی تدوین قوانین نسبت به تعادل دو حق فوق مؤثر است. بیشتر این مصالح به ملاحظات اقتصادی طرفین، ملاحظات اخلاقی و ملاحظات جبران خسارت توجه دارند؛ برای مثال اگر هدف جبران خسارت اهمیت بیشتری داشته باشد، در تعارض با مصالح اخلاقی، سیاست‌هایی اتخاذ می‌گردد که به نفع شخص آسیب‌دیده باشد یا در مقابل ممکن است ملاحظات اقتصادی با هدف حمایت از تولید، اهداف مسئولیت مدنی را تحت تأثیر قرار دهد؛ مثلاً اگر هدف جبران خسارات، بیش از دیگر اهداف و رویکردها مهم باشد، نگرش عملی و حتی قانونی در نیل به این هدف خواهد بود (Weinrib, 2012: 68-69).

نمونه بارزی از موضوع مصلحت‌اندیشی که به طور عملی در رویه قضایی ایران نیز ملاحظه می‌شود، مسئول شناختن عاملی است که جبران خسارت ناشی از وی توسط بیمه جبران خسارت تأمین می‌شود. یعنی اگر عوامل متعددی در خسارت واقع شده دخیل باشند و تنها یک عامل، دارای بیمه جبران خسارت باشد، رویکرد به نحوی است

1. Policy.

که وی را مسبب خسارت تلقی نمایند؛^۱ موضوعی که محدود به حقوق ایران نبوده و در سایر نظام‌های حقوقی نیز چنین واکنشی وجود دارد (Stapleton, 1988: 114). این موضوع می‌تواند باعث کاهش هدف بازدارندگی مسئولیت مدنی گردد. به همین سبب در قانون بیمه اجباری مسئولیت، پیش‌بینی‌های به خصوصی برای حفظ بازدارندگی صورت گرفته است (باریکلو، ۱۳۹۴: ۳۷).

برخی از نهادهای حقوقی در حقوق ایران نیز ناشی از همین مصلحت‌اندیشی‌هاست. در سبب متناسب آنچه مورد ارزیابی است، تأثیر عوامل ذهنی در انتساب زیان است و قابل پیش‌بینی بودن نوع زیان ملاک است و چنانچه نوع ضرر قابل پیش‌بینی باشد، برای احراز مسئولیت کافی است، هرچند میزان خسارت قابل پیش‌بینی نباشد.^۲ ولی چنین مسئله‌ای در برخی مواقع، موجب نتایج غیر منصفانه‌ای می‌شود؛ مثلاً اگر شخصی به نحو تقصیرآمیزی^۳ با خودرو بسیار گران‌قیمت برخورد نماید، به شخص آسیب‌دیده خسارت هنگفتی وارد می‌شود. به این سبب تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری و سایر نقلیه مصوب ۱۳۹۵ مقرر نموده است که میزان خسارت، حداکثر به میزان متعارف خسارت خواهد بود که این میزان نمی‌تواند بیش از نصف دیه انسان باشد.^۴

مصلحت‌دیگری که می‌توان گفت در مسائلی است که هرچند رابطه سببیت مادی برای تحقق زیان اثبات نمی‌شود، به طور استثنایی تمام اسباب احتمالی مسئول شناخته می‌شوند، چنین موضوعی در اسباب اجمالی و اسباب نامعین مطرح می‌گردد (ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲). مشکلات اثباتی موجب می‌گردند که برخی مصلحت‌ها،

۱. این موضوع در مقام جبران خسارت زیان‌دیده اعمال می‌شود و در اکثر موارد، امکان مراجعه به مسبب اصلی وجود دارد.

۲. در مقررات حمل و نقل نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی، مسئولیت متصدی حمل و نقل را بر اساس وزن بار به میزانی محدود می‌نمایند.

۳. در این مورد تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین مورد نظر نیست.

۴. شاید این مقرر چنان تفسیر شود که صرفاً ناظر به تعهدات بیمه‌گر است، لیکن قیدی برای احراز چنین مسئله‌ای ملاحظه نمی‌شود. ضمناً چنین عقیده‌ای که مقرره یادشده ناشی از قاعده اقدام است، قابل بحث و بررسی است؛ یعنی اینکه شخصی که با خودرو گران‌قیمت تردد می‌نماید، برخی از خسارت‌ها را بهتر از عامل مقصر احتمالی پیش‌بینی می‌نماید. بنابراین تردد وی، مواجه با نوعی اقدام علیه خود خواهد بود؛ به خصوص که امکان استفاده از نهادهایی چون بیمه بدنه را دارد.

چنین استثناهایی را اقتضا نمایند؛ مثلاً اگر شخصی به خاطر مصرف دارویی به سرطان مبتلا شود، چون اغلب نمی‌تواند اثبات نماید که کدام شرکت دارویی چنین دارویی تولید کرده است، تمام شرکت‌های دارویی سازنده به لحاظ خطر ایجادشده، مسئول تلقی می‌شوند.^۱

۲-۱-۳. نظریات انتقادی واقع‌گرایان حقوقی

چنانچه گفته شد، در حقوق کامن‌لا به طور سنتی دو نوع بررسی نسبت به سبب وجود داشته است؛ در مرحله اول بررسی سبب به نحو مادی است. در این خصوص معیار قدیمی اگر نبود، به کار گرفته می‌شود، سپس سبب متناسب در مرحله بعد با لحاظ معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر، مسئولیت عامل ارزیابی می‌شود. واقع‌گرایان حقوقی اعتقاد دارند که قابلیت پیش‌بینی ضرر صرفاً ناشی از مصلحت یا ملاحظات اجتماعی است و جایگاهی در رابطه سببیت ندارد. عقاید این نظریه‌پردازان در حقوق آمریکا مؤثر بوده است و به این جهت استفاده از معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر در اصلاحیه سوم مؤسسه حقوقی آمریکا صرفاً با عنوان محدودیت مسئولیت پیش‌بینی شده و از مطالب مربوط به رابطه سببیت تفکیک شده است.

به طور کلی واقع‌گرایان به دو گروه ساده‌گرایی^۲ و واقع‌گرایان نوین تقسیم می‌شوند و مبانی یکسانی دارند. ایشان مفاهیم مربوط به قواعد حقوقی موجود را کهنه و انتزاعی صرف دانسته و این مسائل را موجب دوری از عقلانیت تصور کرده‌اند، این موضوع ناشی از شکل‌گرایی قوانین و قواعد حقوقی پنداشته شده است. به عبارت دیگر قوانین، شکل واحدی را برای همه موضوعات با وجود تفاوت‌های موضوعی آنها پیش‌بینی می‌کنند. به این جهت محاکم هرچند به این قوانین در موضوعات مختلف استناد می‌کنند، ولی با اعمال تفسیرهای مختلف، آراء متفاوتی صادر می‌کنند. در موضوع حاضر، استفاده از نهاد سبب متناسب می‌تواند موجب شود که محاکم، آراء متفاوتی با استناد به همین نهاد در موارد به ظاهر مشابه اعمال کنند (Leiter, 1999: 1138, 1147-1149).

در مکتب واقع‌گرایی، نقش قابلیت پیش‌بینی ضرر انکار نمی‌شود؛ ولی این اعتقاد

۱. موضوعات پیچیده‌ای در این زمینه در حقوق اروپا مطرح است که تحت عنوان خطر توسعه بررسی می‌شود و باعث تعدیل مسئول شناختن اصحاب علم و فناوری نسبت به خطرات ناشی از توسعه علمی می‌گردد.

2. Minimalism.

وجود دارد که اگر محاکم مسئولیت را محدود می‌کنند، باید به طور ساده به مبانی آن اشاره کنند، نه اینکه در ورای الفاظ کلی سبب متناسب و به طور مبهم، نظر خاصی را اعمال نمایند؛ یعنی به جای اینکه گفته شود رابطه سببیت وجود ندارد، بهتر است گفته شود که چون ضرر وارده قابل پیش‌بینی نبوده است، عادلانه نیست که شخص مسئول جبران خسارت باشد؛ یعنی آنچه در رابطه سببیت موضوع بررسی است، ارتباط و توالی پدیده‌هاست که قابلیت پیش‌بینی ضرر در آن جایگاهی ندارد. به این ترتیب واقع‌گرایان اعمال محدودیت مسئولیت و استفاده از نهاد قابلیت پیش‌بینی ضرر را مبتنی بر مصالح می‌دانند و ارجاع موضوع به رابطه سببیت منتفی خواهد شد (Robertson, 1978: 393).

۲-۳. نقد نظریات واقع‌گرایان

این موضوع که قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر به عنوان یک موضوع هنجاری نمی‌تواند در تشخیص رابطه سببیت ایفای نقش نماید، دارای انتقاداتی است که به دو مقوله اصلی اشاره می‌گردد.

زمانی که ترک فعل به عنوان عامل و سبب، شناسایی و مسئول شناخته می‌شود، به طور الزامی دیدگاه معطوف به ترک فعلی‌هایی است که یک وظیفه مراقبتی را با ترک فعل نقض می‌نماید و این وظیفه مراقبتی باید احراز شود و طبیعتاً این موضوع، مستلزم دیدگاه ارزشی است. فرض کنید اشخاص متعددی در یک ساختمان زندگی می‌کنند و در محوطه ساختمان، درختانی وجود دارند و در اثر عدم آبرسانی به درختان، درخت‌ها خشکیده و نابود می‌شوند. در این فرض همه ساکنان آپارتمان در وضع موجود می‌توانستند با آبیاری درخت‌ها از وقوع خسارت جلوگیری کنند، لیکن تنها شخصی که نسبت به آبیاری درخت‌ها موظف است، باغبان ساختمان است که حسب قرارداد متعهد به انجام این فعل بوده است. ترک فعل تمامی اشخاص در تحقق خسارت بی‌گمان از حیث مادی نقش داشته است، ولی تنها شخص مسئول، باغبان است. این تحلیل به این جهت بیان می‌گردد که برای تشخیص ترک فعل به عنوان عامل زیان، ناگزیر از بهره بردن از معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر هستیم؛ زیرا در ترک فعل‌های متعدد، فقط ترک فعلی اعتبار سبب را دارد که ترک مراقبت‌های وی، مستلزم خسارتی

در آینده باشد که این ملازمه منوط به قابل پیش‌بینی بودن ضرر نسبت به عامل است. پس با وجود اینکه گفته می‌شود دیدگاه رابطه علی باید مادی باشد، غربالگری یادشده خود نوعی نقض این ادعا و سخن است.^۱

روش‌های سلبی یا ضد حقیقت مانند معیار اگر نبود، به مقایسه عالم حقیقی و عالم فرضی با فقدان یک عامل به خصوص تمرکز دارند.^۲ نظریه پردازانی با خرده نسبت به چنین روشی بیان کرده‌اند چنین روشی موجب دور شدن از حقایق است که رخ داده است. در واقع با تصور عالم فرضی، به آن چیزی که رخ نداده است اعتبار می‌دهیم و ممکن است که در این راه به خطا برویم. به همین دلیل برخی اندیشمندان، تحلیل‌های ضد حقیقت سببیت را رد می‌نمایند و به یک تحلیل رابطه‌محور اعتقاد دارند؛ یعنی باید عواملی را که موجب ارتباط علت و معلول هستند، بر اساس آنچه رخ داده است، کشف کنیم (Moore, 2003: 144).

آنچه واضح است، واقع‌گرایان رابطه علی را ناشی از تعاریف فلسفی دانسته و اعتبار حقوقی خاصی برای آن قائل نیستند، حال آنکه ویژگی‌های خاص علوم حقوقی باعث می‌شود که رابطه سببیت، تفاوت‌هایی با رابطه علی فلسفی داشته باشد؛ مثلاً در خصوص آتش‌سوزی یک ساختمان، نگاه حقوق نگاه به گذشته است و موضوع از حیث اثباتی، اهمیت بیشتری دارد، ولی در فلسفه زمانی که سخن از رابطه علی است، دیدگاه رو به آینده است، یعنی با حصول چه عواملی همان نتیجه در آینده رخ می‌دهد؟ همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، نظریه سبب متناسب به دنبال شناسایی عواملی است که حقوق حمایت‌شده را نقض نموده‌اند. از این رو در عواملی چون ترک فعل، لحاظ ملاحظات خاصی چون قابلیت پیش‌بینی ضرر، طبیعی و بدیهی است و از ویژگی‌های خاص سبب

۱. البته در نقد این انتقاد می‌توان گفت که غربالگری موصوف مربوط به تشخیص تقصیر است.
 ۲. روش این سنجش ضد حقیقت (Counterfactual) یا به عبارتی فرضی سلبی است. مثال آتش‌سوزی خانه‌ای را که در نتیجه سرایت آتش نابود شده است، در نظر بگیرید. از حیث اگر آزمایشی پرسیده می‌شود اگر آتش افروخته نشده باشد، حادثه رخ می‌داد؟ در این حالت، پاسخ فرض سؤال با حذف عامل مورد سنجش است که بر خلاف حقیقت رخ داده، فرضی تخیل می‌گردد؛ یعنی فرض می‌شود که عامل آتش وجود نداشته، در حالی که بر خلاف حقیقتی است که آتش وجود داشته است. چنانچه پاسخ مثبت باشد، یعنی بدون عامل حادثه رخ می‌داد، پس رابطه علی وجود ندارد و در فرض پاسخ منفی، رابطه علی وجود دارد (Wright, 1985: 1788).

حقوقی یا سبب متناسب، به کارگیری ارزش‌های هنجاری برای تفکیک عوامل مؤثر است. رویکرد عدالت اصلاحی در حقوق کامن‌لا نیز چنین نتیجه‌ای در بر دارد.^۱

۳-۳. قابل پیش‌بینی بودن توصیفی برای ضرر قابل جبران

علاوه بر به کار رفتن معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر در رابطه سببیت و تقصیر، معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر، وصف ضرر است؛ یعنی ضرری قابل جبران است که قابل پیش‌بینی است. خلط و عدم تفکیک مطالب، باعث شده است تا چنین شرطی با لحاظ مبانی رابطه سببیت توصیف شود، در حالی که در سبب متناسب آنچه مهم است، قابل پیش‌بینی بودن نوع زیان است، نه میزان زیان، و در حقیقت محدود نمودن میزان مسئولیت به میزان متعارف ضرر در فقه امامیه نیز مطرح نشده است و شناسایی چنین محدودیتی برای میزان مسئولیت می‌تواند ناشی از مصالح باشد که به آن اشاره شد.

در حقوق کامن‌لا در موضوع سبب حقوقی صرفاً به قابل پیش‌بینی بودن نوع ضرر توجه می‌شود. به این جهت حتی در قضایایی که بعد از قضیه پالسگراف^۲ مطرح شده است، میزان خسارت اگر قابل پیش‌بینی نباشد، ولی خود ضرر قابل پیش‌بینی باشد، در ضمان عامل تردیدی نشده است. دو قضیه بارز در این زمینه وجود دارد؛ یکی مربوط به ضعف شخص آسیب‌دیده است که استخوان جمجمه شخص آسیب‌دیده بسیار ضعیف بود و موجب فوت وی شد. گفته شده است نوع خسارت که جراح است، قابل پیش‌بینی بوده است. در مورد دیگر گفته شده است که اگر در تصادفی، کسانی برای نجات تصادف‌کننده بشتابند و خود گرفتار شوند و اشخاص دیگری برای نجات

۱. از این منظر، بهترین هدف برای حقوق، عدالت اصلاحی است. عدالت اصلاحی برای تبیین مسئولیت و شناسایی آن به مبانی اخلاقی توجه ویژه‌ای دارد. وظیفه‌ای اولیه بر عهده همگان وجود دارد که به دیگران آسیب نرسانیم و با ورود آسیب، وظیفه ثانوی حکم می‌کند که به نحو صحیحی در جبران این خسارت اقدام کنیم. این وظایف منشأ اخلاقی دارند. به این سبب اگر وظیفه اولی به سبب خطا کارانه‌ای نقض شود، این دیدگاه از مسئولیت مدنی متضمن داشتن تفسیری متافیزیکی از رابطه سببیت است. مسئولیت حقوقی در این دیدگاه از مسئولیت اخلاقی پیروی می‌کند و مسئولیت اخلاقی، آسیبی را که شخص موجب آن شده است، جهت این مسئولیت شناسایی می‌کند. پس در دیدگاه عدالت اصلاحی، شخص باید خطا کارانه موجب وضعیت نامطلوب یا همان خسارت شده باشد. این ایجاد و وجوب تنها از طریق تفسیر متافیزیکی سببیت که ارتباط عامل با خسارت است، قابل توجیه است (Moore, 2009: chapter 2 & 4).

۲. قضیه‌ای که موجب شکل‌گیری مبانی قابلیت پیش‌بینی ضرر شد.

ایشان اقدام کنند و آن‌ها نیز آسیب ببینند، عامل مقصر مسئول همه خسارات خواهد بود (Linden, 1969: 548-562).

تمام مطالبی که در مورد سبب متناسب و معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر گفته شد، متفاوت با وصف قابل پیش‌بینی بودن ضرر قابل جبران است. به عبارت دیگر، تمام مطالبی که برای ضرر قابل جبران در حقوق کامن‌لا مطرح می‌شود و میزان خسارت را محدود به میزان منصفانه‌ای می‌نماید، مربوط به مصلحت است، نه نهاد رابطه سببیت. با توجه به اهمیت آشکار مفهوم پیش‌بینی‌پذیری، مسئله اصلی، جایگاه دقیق این مفهوم است. دیدگاهی که از دیرباز در انگلستان پذیرفته شده، این است که پیش‌بینی‌پذیری ضرر در تعیین تقصیر یا عدم تقصیر خواننده نقش دارد؛ اما پس از احراز تقصیر، در تعیین میزان مسئولیت وی نقشی ندارد. در این دیدگاه، میان مقصر بودن و جبران ضرر و زیان، مرزبندی کاملاً روشنی به چشم می‌خورد. اما بر طبق دیدگاه دیگر که نویسندگانی مانند گودهارت^۱ در انگلستان و فلمینگ جیمز^۲ در آمریکا از آن حمایت می‌کنند، پیش‌بینی‌پذیری ضرر به میزان مسئولیت یک عامل مقصر نیز مربوط می‌شود. بر اساس این دیدگاه، نمی‌توان مرز دقیقی میان تقصیر و جبران قائل شد و تقصیر یا عدم تقصیر خواننده و نیز مسئولیت یا عدم مسئولیت وی در قبال ضرر ناشی از آن تقصیر، بر مبنای معیار واحدی مشخص می‌شوند (Hart & Honoré, 1959: 231-232).

نتیجه‌گیری

در تعیین سبب مسئول، چه در صورت واحد بودن سبب و چه در صورت تعدد اسباب به نحو طولی باید به ماهیت رابطه سببیت از منظر حقوق توجه شود. در مبنای کلی رابطه سببیت، توجه به سببی است که به نحو هنجارشکنانه‌ای موجب فراهم نمودن شرایط ایجاد خسارت شده است. صرف دیدگاه مادی و فلسفی برای تحقق ضمان نزد سبب کافی نیست؛ به این جهت ضرورت دارد تناسبی بین عامل خسارت و خسارت وجود داشته باشد. این تناسب موجب شده است که قضاوت عرفی، نظر برگزیده‌ای

1. Goodhart.
2. Fleming James.

در خصوص شناسایی سبب مسئول باشد. لیکن احاله امر به عرف، برای تشخیص ساختار مناسب کافی نیست. از این رو مناسب است ساختارهای مربوطه تشخیص داده شوند و جایگاه هر یک از شاخصه‌ها و معیارها روشن شود.

نظریه سبب متناسب در تبیین سبب مسئول، در حقوق کامن‌لا به عنوان نهادی از رابطه سببیت یا نهاد مکمل آن به کار رفته است. در تفکیک عوامل مختلف دخیل در تحقق زیان، تنها عاملی که آگاهی تحقق ضرر برای اقدام وی وجود دارد، به عنوان سبب مسئول تشخیص داده می‌شود. در آگاهی سبب، حالت نوعی و معمول لحاظ می‌گردد که بر حسب موقعیت‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد؛ یعنی شخص نسبت به طبیعت سیر عوامل باید تا حدودی آگاهی داشته باشد. اگر نتیجه حاصل شده، نتیجه‌ای نادر و اتفاقی نسبت به سبب باشد، نمی‌توان آن را عامل زیان دانست.

از مقومات سبب متناسب، توجه به تقصیر به عنوان پیش شرط وجود مسئولیت است. بر خلاف عقاید آن دسته از حقوق‌دانان که معتقدند تقصیر، جایگاهی در رابطه سببیت ندارد و سبب مانند اتلاف بوده و صرف استناد کافی است، باید گفت که این نتیجه‌گیری موجب می‌شود هر نوع عاملی که به صورت مادی موجب زیان شده است و این ارتباط مادی محرز است، مسئول باشد؛ حال آنکه مبانی فقهی و قانونی (قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) مخالف این موضوع است و به صراحت به لزوم وجود تقصیر در جهت احراز ضمان اشاره شده است. در تأیید این مطالب لازم به توضیح است که نمی‌توان حکم یکسانی برای تسبیب و اتلاف قائل شد؛ زیرا اتلاف علت ضرر است و نوعاً هر شخصی که علت ضرر می‌گردد، از نتایج کار خود آگاه است، ولی سبب با واسطه‌هایی موجب زیان است و اصل اباحه دلالت بر این حکم می‌نماید که اشخاص در اعمال مباح با تکلیفی مواجه نشوند، مگر اینکه حصول ضرر از آن‌ها قابل انتظار باشد که در این صورت حکم اباحه زائل خواهد شد و اصل لاضرر حاکم خواهد بود.

نظریه سبب متناسب، ویژگی بارزی دارد و آن استناد به شاخصه قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر به نحو نوعی است؛ یعنی معیار تناسب بین سبب و زیان با این شاخصه قابل سنجش است. قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر دارای سه کارکرد است؛ هم در تشخیص تقصیر مفید است، زیرا رفتار شخص متعارف باید پیش‌بینی‌های معمول را نسبت به

مراقبت‌های لازم انجام دهد. وجود تقصیر کافی برای ضمان نیست و باید بین تقصیر و نتیجه یعنی زیان، رابطه مؤثری باشد، از این رو نوع خسارت باید از سبب انتظار رود. این دو نوع کارکرد مربوط به حوزه رابطه سببیت است و در حقوق کامن‌لا نیز چنین سنجش‌هایی وجود دارد. در حقوق کامن‌لا تقصیر مقدمه تحقق مسئولیت است و جهت تحقق تقصیر باید وظیفه مراقبتی وجود داشته باشد و این وظیفه نقض شود. چنین وظیفه‌ای فقط محدود به موارد قابل پیش‌بینی است و از سوی دیگر در جهت محدود نمودن مسئولیت و جلوگیری از مسئولیت‌های غیر منصفانه، نهاد سبب متناسب مطرح می‌شود. سبب متناسب مرحله‌ای بعد از تشخیص سبب مادی است.

آنچه از حیث سبب متناسب حائز اهمیت است، قابلیت پیش‌بینی نوع ضرر است، نه میزان آن. اگر منظور از معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر، وصفی برای ضرر قابل جبران باشد، در حقوق ایران و مبانی فقهی، قاعده‌ای کلی نسبت به این موضوع وجود ندارد؛ مثلاً اگر رها کردن آب موجب تخریب ساختمان ۲۰ طبقه همسایه شود و نوعاً خسارت به ساختمان قابل پیش‌بینی باشد، موجبی برای محدود کردن مسئولیت وجود ندارد و بی‌شک چنین کارکردی نیاز به تصریح قانون دارد و در عین حال چنین نهادی، متأثر از ملاحظات انصاف‌مدار است و نباید چنین کارکردی را با ویژگی سبب متناسب خلط کرد.

مواد قانون مجازات اسلامی، چه از حیث بیان نقش تقصیر و چه از حیث به کار بردن شاخصه‌های سبب متناسب، دیدگاه فقهی سبب متناسب را در خود جای داده‌اند. نقدهایی که به دیدگاه سبب متناسب قانون مجازات اسلامی وجود دارد، به مانند نقدهایی است که واقع‌گرایان در حقوق کامن‌لا مطرح کرده و سبب را موضوعی مادی دانسته و به کار بردن عوامل غیر مادی و هنجاری را نادرست ارزیابی کرده‌اند. در پاسخ باید گفت آنچه در فقه و مقررات قانونی مورد توجه است، موضوع انتساب یا استناد است که به وضوح معیار انتساب صرفاً مادی نیست و تشخیص‌های هنجاری به جهت ویژگی‌های خاص سبب در عالم حقوقی غیر قابل اجتناب است. با لحاظ مبانی قانونی و فقهی، ضمان بر عهده سبب متناسب است؛ لیکن در صورت تعدد اسباب در تشخیص سبب متناسب، معیار تقدم در تأثیر، اماره است و در هر صورت معیارهای سبب متناسب باید رعایت شود.

کتاب‌شناسی

۱. آخوند خراسانی، *درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد*، تهران، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲. بابائی، ایرج، «بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، دوره چهارم، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۱ ش.
۳. حاجی نوری، غلامرضا، «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی»، *دوفصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۴. حسینی، محمود نجیب، *رابطه سببیت در حقوق کیفری*، ترجمه سیدعلی عباس‌نیا زارع، چاپ دوم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۵. حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۶. حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی، *العناوین الفقهیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۷. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.
۸. رشتی، میرزا حبیب‌الله، *کتاب الغصب*، برگرفته از نرم‌افزار جامع فقه اهل‌البيت، بی‌تا.
۹. رهیک، حسن، *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*، چاپ سوم، تهران، خرسندی، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. زحیلی، وهبه، *الفقه الاسلامی وادلته*، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. سنهوری، عبدالرزاق، *دوره حقوق تعهدات*، ترجمه سیدمهدی دادمزنی و محمدحسین دانش‌کیا، چاپ دوم، قم، دانشگاه قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. صادقی، محمدهادی، «اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۳. غمامی، مجید، *قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی*، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه*، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۰ ش.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرارداد*، چاپ هفتم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، *انوار الفقاهة - کتاب الغصب*، نجف اشرف، مؤسسه کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ ق.
۱۷. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل‌البيت (ع)، لایحه التراث، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. موسوی بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ، *القواعد الفقهیه*، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، دار‌العلم، ۱۴۲۱ ق.
۲۰. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. هارت، اچ. ال. ای.، و تونی هونوره، *سببیت در حقوق*، ترجمه حسین آقائی‌نیا و دیگران، تهران، میزان، ۱۳۸۹ ش.

23. Harpwood, Vivienne, *Modern Tort Law*, 7th Ed., Routledge-Cavendish, 2009.

24. Hart, H. L. A. & Toni Honoré, *Causation in the Law*, Oxford University Press, 1st Ed., 1959.

25. Leiter, Brian, "Positivism, Formalism, Realism", *Columbia Law Review*, Vol. 99(4), 1999.

26. Linden, Allen M., "Down with Foreseeability! Of Thin Skulls and Rescuers", *The Canadian Bar Review*, Vol. 47(4), 1969.

27. Moore, Michael S., *Causation and Responsibility*, Oxford University Press, 2009.

28. Id., "Foreseeing Harm Opaquely", in: Stephen Shute & John Gardner & Jeremy Horder (Eds.), *Action and Value in Criminal Law*, Oxford University Press, 2003.

29. Robertson, David W., "The Legal Philosophy of Leon Green", *56 Texas Law Review*, 1978.

30. Stapleton, Jane, "Law, Causation and Common Sense", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 8(1), 1988.

31. van Dam, Cees, *European Tort Law*, Oxford University Press, 2nd Ed., 2013.

32. Weinrib, Ernest J., *Corrective Justice*, Oxford University Press, 2012.

33. Wright, Richard W., "Causation in Tort Law", *California Law Review*, Vol. 73(6), 1985.

